

صحيفة الزهراء عليه السلام

[29] گریسته وکفن مادرشان را با اشکهای ریزان نشان خیس نمودند. بهر حال قبري را

برای همسرش زهرا آماده ساخت که مکانش مجهول است، و تا روز ظهور فرزندش مهدی (علیه السلام) همچنان مخفی خواهد ماند، و زهرا را در آن قبر نهاد، و آن مجموعه مواهب و فضائل الهی را دفن نمود، و گفت: أي زمين امانت خود را بتو سپردم، این دخت رسول خداست، أي فاطمه ترا به کسی تسلیم کردم که از من بتو سزاوارتر و شایسته تر است، و راضی شدم برای تو آنچه را که خدای تعالی برای تو راضی شد. أمير المؤمنين (علیه السلام) در این لحظه سخت ترین لحظات زندگیش را می گذراند، چرا که عزیزترین کس خود را در ابتدای عمر و شکوفائی زندگانش از دست داده بود، در این لحظه بود که غمها و اندوهها به شدت به آن حضرت روی آورد و هنگامیکه دست خود را تکان داد تا خاکهای قبر را از دست بیفشاند قطرات اشک بر چهره اش جاری گردید و چنین ناله سر داد: السلام عليك يا رسول الله عني، السلام عليك عن ابنتك وزائرتك والبائتة في الثرى ببقعتك، والمختار الله لها سرعة اللحاق بك، قل يا رسول الله عن صفيتك صبري، وعفا عن سيدة نساء العالمين تجلدي.... بلى وفي كتاب الله لي انعم القبول، انا الله وانا اليه راجعون، قد استرجعت الوديعة واخذت الرهينة واختلست الزهراء، فما اقبح الخضراء والغبراء.
